



احمد غلامی

در جنگ ۱۲ روزه و در جنگ اخیر با همدستی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، وارد دوره تازه‌ای از تاریخ کشورمان شدیم. این جنگ به معنای دقیقی کلمه با جنگ‌های کلاسیک بسیار تفاوت داشت؛ جنگ مدرنی که بی‌شباهت به بازی‌های کامپیوتری نبود. تا حدودی زمان و مکان حمله از پیش اعلام می‌شد و این نکته یکی از تفاوت‌های بارز این جنگ با جنگ‌های کلاسیک بود. آگاهی محدود از زمان و مکان حمله، مردم را دچار تناقضی آشکار می‌کرد. «مرگ آگاهی» از پیش اعلام‌شده بیش از آنکه وحشتناک باشد به دلهره و آشوب و مهم‌تر از همه به انتظار دامن می‌زد. انتظار طاقت‌فرسا و مردم چشم‌به‌راه فاجعه‌ای که در راه است. با این تعبیر اینک می‌توان گفت ما در دوران پساجنگ به سر می‌بریم؛ اگرچه درگیری گهگاهی و محدود در جنوب ادامه دارد، اما فعلا کسی منتظر جنگ نیست، هرچند یقینا همان انتظار و ترس در ضمیر ناخودآگاه جامعه وول می‌زند و سلب آرامش می‌کنند. در این وضعیت «نه جنگ نه صلح» است که مردم دوره پساجنگ را تجربه می‌کنند. تجربه ناخوشایندی است و بیشتر از هر چیز به مولکولی شدن بیش از حد جامعه ایران منتهی می‌شود. جامعه‌ای که نشان داده بود قادر است با ایجاد شبکه‌های رزومی تحولاتی را به حافظان وضع موجود پیشنهاد کند. در این میان روشنفکران، دانشگاهیان و نخبگان سیاسی همچون ستاره‌های سرگردان به دور دست‌های کهنکشان پرتاب شده‌اند و کسی آنان را نه به نام و نه به رسم فرامی‌خواند. تجلی عینی این وضعیت را در مرگ این جماعت می‌توان ردیابی کرد که تأثیر کمی در توده‌های مردم و حتی در همکیشان خود داشت. این شرایط برای مردم جامعه پساجنگ که پیش از این دچار فقر و فاقه بوده‌اند جای سرزنش ندارد. اما چگونه و از چه راهی باید اوضاع را سامان کرد؟

ادامه در صفحه ۵

شنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۵
۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۶ ژوئن ۲۰۲۴
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۰۱
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت سی‌وهفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام (ع) مطرح کردند

قیام برای خدا، زیربنای مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز

۳



در «شرق» امروز می‌خوانید: وقتی فقر اجازه درمان نمی‌دهد • دستور رئیس‌جمهور برای پیگیری درمان میرحسین موسوی • «شی» به پیونگ‌یاگ می‌رود • ناصر فکوهی از دلایل بازگشت به همزیستی مسکونی گفت

«شرق» با تحلیل آماری، تغییر چهره فقر را از نوسان معیشتی به تصلب ساختاری بررسی می‌کند

دگردیسی طبقه متوسط

این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید



واکاووی تأثیر تحولات لبنان بر سرنوشت مذاکرات ایران و آمریکا و چشم‌انداز روابط تهران-واشینگتن در گفت‌وگوی «شرق» با محمدعلی مهدی و ابوالقاسم دلفی

تحولات لبنان، کلید آینده مناسبات ایران و آمریکا

ابوالقاسم دلفی، به‌رونده لبنان را بین‌المللی کنیم
محمدعلی مهدی: لبنان به سال ۱۹۸۲ بازمی‌گردد

پرونده

این پرونده را در صفحه‌های ۳ و ۴ بخوانید. عکس: سهندناگی، شرق

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از کارنامه مقابله با خشونت علیه کودکان در آستانه سالگرد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۶ سال پس از «رومینا»؛ خانه هنوز امن نیست

زلزلسی به رئیس‌جمهور روسیه نامه نوشت
درخواست غیرمنتظره از پوتین

تکذیب انتقال اورانیوم به کشور ثالث و اصرار تهران بر آزادسازی نیمی از اموال بلوکه‌شده

معادله مجهول توافق

جام ۲۰۲۴

تیم ملی ایران در حالی عازم مکزیک می‌شود که هنوز وضعیت حضور بازیکنان در آمریکا مشخص نیست

استرس ویزا

صفحه ۶



2026 FIFA WORLD CUP UNITED STATES CANADA MEXICO

یادداشت

مذاکرات زیر سقف کوتاه



حامد نقی‌او

کارشناس سیاست خارجی

مذاکرات اخیر میان تهران و واشینگتن، در حالی با واژه‌هایی مانند «بیشرفت» و «حرکت رو به جلو» توصیف می‌شود که در لایه راهبردی، نشانه‌های متفاوتی دیده می‌شود؛ نشانه‌هایی که نه از جنس گشایش واقعی، بلکه از جنس کوچک‌شدن میدان چانه‌زنی است. وقتی مقام ایرانی می‌گوید «تقریباً خیلی جلو رفتیم»، اما بلافاصله توضیح می‌دهد که محور مرحله نخست، آزادسازی ۵۰ درصد از منابع بلوکه‌شده یا امضای یادداشت تفاهم و باقی آن طی یک یا دو ماه است. تصویر واقعی روشن می‌شود. مرحله نخست، نه بر محور رفع تحریم‌هاست و نه بر محور بازطراحی چارچوب هسته‌ای، بلکه بر محور آزادسازی بخشی از پول‌های خود ایران تعریف شده است. این نقطه آغاز، بیش از آنکه نشانه پیشروی باشد، نشان می‌دهد سقف مذاکرات از همان ابتدا کوتاه طراحی شده است. اما این تصویر زمانی کامل می‌شود که هزینه‌های ماه‌های اخیر را هم در نظر بگیریم. ایران در جنگ ۱۲ روزه جنگ رمضان، فقط هزینه نظامی نداد؛ بلکه هزینه سیاسی، اقتصادی، امنیتی و روانی پرداخت کرد. در آن دوره، کشور در وضعیت آماده‌باش قرار گرفت، بازارها تحت فشار قرار گرفتند، فضای منطقه به سمت درگیری گسترده‌تر رفت و ایران در برابر یک ائتلاف چندلایه ایستاد. این هزینه‌ها برای تغییر موازنه بود، نه برای اینکه امروز سقف مذاکرات به آزادسازی بخشی از منابع بلوکه‌شده تقلیل پیدا کند. طبیعی است که جامعه این پرسش را مطرح کند که نسبت میان آن هزینه‌ها و این دستاورد چیست و آیا این نقطه‌ای است که باید پس از آن همه تنش و فشار به آن برسیم. این پرسش، بخشی از همان مطالبه عمومی درباره تناسب هزینه-فایده است که امروز بیش از هر زمان دیگری مطرح می‌شود. برای فهم این وضعیت، باید به متغیرهای ساختاری نگاه کرد. اقتصاد ایران، زیر فشار تحریم‌های ثانویه، محدودیت‌های بانکی، کاهش صادرات نفت و هزینه‌های منطقه‌ای، به مرحله‌ای رسیده که حتی یک گشایش محدود هم می‌تواند نقش یک ضربه‌گیر فوری را ایفا کند.

ادامه در صفحه ۷

یادداشت

درباره نظم نوین غرب آسیا



سیدحسین موسوی

رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

خواست در مقابل حملات ایران در جنگ رمضان خوشبختی است. اکنون به نظر می‌رسد کشورهای حاشیه خلیج فارس دریافته‌اند که افزایش تنش و دعوت به تشدید جنگ و تأکید بر اختلافات خود با ایران، در نهایت خواست رژیم اسرائیل است. پروژه توافق ابراهیم که جوهره آن عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسلامی با اسرائیل است، طرح شکست‌خورده‌ای است که یک طرف آن که اسرائیل باشد، اساساً تمایلی برای عادی‌سازی با محیط بیرونی خود به صورت مسالمت‌آمیز ندارد، بلکه خواهان اعمال قدرت و تسلیم بلاشروط این کشورهاست. به نظر می‌رسد کشورهای عربی نیز اکنون حتی حضور نظامی آمریکا در کشورهای خود را مضر به منافع خود تشخیص داده‌اند؛ زیرا بیش از آنکه استقرار این نیروها به افزایش امنیت آنان کمک کند، به تحکیم سلطه اسرائیل و حمایت از ماجراجویی‌های تانیاوه خدمت می‌کند. همچنین کشورهای حاشیه خلیج فارس اینک با یادداشت‌برداری از یافته و نتایج جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران بر سر دوراهی تعیین تکلیف در سیاست خارجی خود قرار دارند. از یک سو می‌دانند واقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی پایدار جبر ژئوپلیتیک آنان را به تداوم روابط حسن هم‌جواری با ایران و بهبود و ترمیم روابط ناگزیر می‌کند و از سوی دیگر بیداری ایران در کشف استراتژیک تنگه هرمز به‌عنوان یک سلاح ژئوپلیتیک قدرتمند آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی برای توسعه و حیات اقتصادی این کشورها را ترسیم می‌کند.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

چالش‌ها و عوامل تهدید امنیت غذایی در جهان



محمدحسین عمادی

سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) هرساله گزارشی از آخرین وضعیت امنیت غذایی جهان منتشر می‌کند تا ضمن ترسیم تصویری روشن از شرایط موجود، مهم‌ترین چالش‌ها، تهدیدها و توصیه‌های سیاستی را در اختیار کشورهای عضو قرار دهد. این گزارش‌ها در واقع آینه‌ای از وضعیت امنیت غذایی جهان هستند که فاصله میان شرایط موجود و اهداف توسعه پایدار، به‌ویژه هدف «ریشه‌کنی گرسنگی تا سال ۲۰۳۰» را نشان می‌دهند و فرصت‌ها و الزامات پیش‌روی کشورها را تبیین می‌کنند. شورای ۱۸۱ فائو که در خرداد ۱۴۰۵ (ژوئن ۲۰۲۴) در شهر رم برگزار شد، گزارشی جامع با عنوان «چالش‌ها و عوامل محرک امنیت غذایی جهانی» ارائه کرد. تصویری که این گزارش از وضعیت جهان ترسیم می‌کند، حاکی از آن است که جامعه جهانی همچنان فاصله درخور توجهی با دستیابی به امنیت غذایی پایدار دارد. گزارش حاضر ضمن بررسی وضعیت موجود، به ریشه‌یابی بحران‌های غذایی، تحلیل عوامل تهدیدکننده و ارائه راهکارهای سیاستی پرداخته است. از نکات شایان توجه این گزارش، بررسی آثار بحران خاورمیانه و خلیج فارس و پیامدهای ناشی از تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران بر بازارهای جهانی غذا، انرژی و نهاده‌های کشاورزی است که آگاهی از آن برای سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران اهمیت ویژه‌ای دارد.

وضعیت کنونی امنیت غذایی جهان

براساس ارزیابی فائو، اگرچه پس از شوک ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ روند گرسنگی جهانی تا حدودی بهبود یافته است، اما همچنان حدود ۶۷۳ میلیون نفر در جهان از گرسنگی مزمن رنج می‌برند. همچنین نزدیک به ۲.۳ میلیارد نفر با درجاتی از ناامنی غذایی متوسط یا شدید مواجه‌اند. قاره آفریقا همچنان بحرانی‌ترین منطقه جهان از منظر امنیت غذایی محسوب می‌شود و بیش از ۲۰ درصد جمعیت آن با گرسنگی مزمن روبه‌رو هستند. از سوی دیگر، حدود ۲.۶ میلیارد نفر در جهان توانایی تأمین یک رژیم غذایی سالم و مغذی را ندارند. این وضعیت به‌ویژه در کشورهای کم‌درآمد و در حال توسعه نگران‌کننده است و نشان می‌دهد که مشکل امنیت غذایی صرفاً به کمبود تولید محدود نمی‌شود، بلکه دسترسی اقتصادی به غذا نیز به یکی از چالش‌های اصلی تبدیل شده است.

گسترش بحران‌های غذایی حاد

گزارش شورای ۱۸۱ فائو نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۵ حدود ۲۶۶ میلیون نفر در ۴۷ کشور و منطقه جهان با ناامنی

غذایی مواجه بوده‌اند و نیاز فوری به کمک‌های بشردوستانه داشته‌اند. برای نخستین بار از زمان آغاز نظام‌های بین‌المللی پایش قحطی، وقوع قحطی در بخش‌هایی از غزه و سودان به‌طور رسمی تأیید شده است. همچنین بیش از ۳۵ میلیون کودک در کشورهای بحران‌زده دچار سوءتغذیه حاد شده‌اند که زنگ خطر جدی برای آینده توسعه انسانی در این کشورها به شمار می‌رود.

عوامل اصلی تهدیدکننده امنیت غذایی

فائو چهار عامل اصلی را به‌عنوان محرک‌های بنیادین ناامنی غذایی جهانی معرفی می‌کند:

- ۱- درگیری‌ها و جنگ‌ها که امروزه مهم‌ترین عامل بروز بحران‌های غذایی حاد محسوب می‌شوند. جنگ‌ها با تخریب زیرساخت‌های تولید، اختلال در تجارت، جابه‌جایی جمعیت و محدودسازی کمک‌های انسانی، دسترسی مردم به غذا را به‌شدت کاهش می‌دهند. تحولات دهه گذشته نشان می‌دهد نقش منازعات و جنگ‌ها به‌مهم‌ترین عامل اختلال در سیستم غذا و امنیت غذایی در جهان تبدیل شده و این در شرایطی است که دیگر عوامل زیر نیز روند تصاعدی گرفته است.
- ۲- تغییرات اقلیمی و رخدادهای شدید آب‌وهوایی مانند خشک‌سالی، سیلاب و توفان‌ها که هرساله بخش مهمی از تولید کشاورزی جهان را تحت تأثیر قرار داده‌اند و روند آن نیز افزایشی است.
- ۳- شوک‌های اقتصادی، تورم، کاهش ارزش پول ملی و بدهی‌های فزاینده دولت‌ها که قدرت خرید خانوارها را کاهش داده و توان سرمایه‌گذاری دولت‌ها در بخش کشاورزی را محدود می‌کند.
- ۴- افزایش قیمت مواد غذایی و نهاده‌های تولید که مستقیماً بر هزینه تولید و مصرف غذا اثر می‌گذارد. ویژگی نگران‌کننده وضعیت کنونی آن است که این عوامل به‌صورت هم‌زمان و در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند و اثرات افزایشی و متقابل آنها شدت بحران را تصاعدی افزایش می‌دهد؛ پدیده‌ای که فائو از آن با عنوان «بحران‌های هم‌پوشان» یاد می‌کند.

پیامدهای جنگ اوکراین

گزارش فائو تأکید می‌کند که جنگ اوکراین همچنان یکی از عوامل مؤثر بر امنیت غذایی جهان است. روسیه و اوکراین از تولیدکنندگان اصلی غلات، روغن‌های نباتی و کودهای شیمیایی در جهان هستند.

دنیاوی این روزهای ما

حالا



رامین خسروخاور

در دنیای این روزهای ما، واژگانی هست که بیش از آنکه ابزار سخن باشند، آینه جان‌اند؛ کلماتی که نه تنها معنا، بلکه منش می‌سازند؛ نه فقط جمله، که نگاه می‌آفرینند. در برخی فرهنگ‌ها واژه‌ای هست که از بازار و اداره تا خانه و کاشانه، از مناسبات فردی تا تصمیمات جمعی، چون نخ تسبیخی نامرئی بر گفتار و کردار کشیده شده است. «حالا» یعنی امروز نه، فردا! اکنون نه، بعداً. یعنی تصمیم را به تعویق سپردن و تکلیف را به آینده حواله‌کردن. «حالا ببینیم چه می‌شود»، «تا بعد»، «چرا عجله داری؟»، «از این مستون به آن ستون فرج است»، اینها تنها تعارفات زبانی نیستند، بلکه ترجمان رفتاری نوعی نسبت با زمان‌اند؛ نسبتی که در آن فردا عزیزتر از امروز است و امکان، محترم‌تر از اقدام، گویی در ذهن بسیاری، زمان نه رودخانه‌ای روان، بلکه برکه‌ای راکد است؛ می‌توان کنار آن نشست، می‌توان به آن نگرست، می‌توان امید داشت که خود، راهی به دریا بیاید. از همین رو است که بسیاری کارها به بن‌بست می‌رسند و نه به سرانجام؛ در میانه راهی بی‌پایان معلق می‌مانند، در تعلیقی مزمن که نه مرگ است و نه زندگی.

مردمانی که بیش از آنکه اهل تصمیم باشند، اهل تعویق‌اند، به جای کام‌داشتن، چشم به آینده می‌دوزند، به جای اقدام، به فردای مهم دل می‌سیارند. و در این میان، فرصت‌ها همچون ابرهای بهاری می‌آیند و می‌روند، بی‌آنکه دست‌ها به باران برسند. این خصلت یکسره از تبلی یا بی‌مسئولیتی برخاسته است؛ تاریخ سنوایی، ایام متمادی بی‌ثباتی و تجربه‌های مکرر شکست برنامه‌ریزی، میخ تاط‌بودن در برابر آینده را امروز ما کرده است. «حالا» در این معنا، نه صرفاً یک واژه، که سپهری روانی در برابر ناامنی‌های مزمن است. اما آنچه روزگاری ابزار بقا بود، امروز گاه به مانع پیشرفت بدل شده است.

ادامه در صفحه ۷